

دو صد

بار زندگی



کبری محمودی

سن که بالا می‌رود، تجربه‌ها بیشتر و مفیدتر می‌شوند. مجله‌ای که اکنون در دست شما خواننده‌ی گرامی قرار دارد، هرچند بیست و پنج بهار را پشت سر گذاشته، اما دویستمین شماره‌اش را تجربه می‌کند. این مجله هر سال هشت بار متولد می‌شود؛ از مهر تا اردیبهشت. هر شماره از مجله پر است از تجربه‌های بسیار شما آموزگاران که علاقه‌مند و دغدغه‌مند بوده‌اید. نگاهی گذرا به این دویست شماره کافی است تا دریافت، اهم مطالب آن تجربه‌های آموزگاران ایرانی‌اند و بس! به پهنای دویستمین شماره‌ی مجله، مروری می‌کنیم دویست بار تولد را؛ دویست بار شروع زندگی را.

رشد آموزش ابتدایی در مرحله کودگی؛ تولد تا نه‌سالگی، به سردبیری محبت‌الله همتی



«اینک نخستین شماره‌ی رشد آموزش ابتدایی به‌لطف الهی در دست معلمان عزیز قرار گرفته است. خدای را به شکرانه‌ی این توفیق سپاس می‌گوییم و از او برای سپردن راهی که نخستین قدم را در آغاز آن برداشته‌ایم، مدد می‌طلبیم.»

آنچه خواندید، نخستین جمله‌های دکتر حدادعادل درباره‌ی انتشار اولین شماره‌ی ویژه‌نامه‌ی «آموزش ابتدایی» در رشد معلم بود؛ در سال تحصیلی ۱۳۶۷-۱۳۶۶.

مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی حدود ده سال (۱۳۶۶ تا ۱۳۷۶)، به‌صورت ضمیمه، بخشی از مجله‌ی رشد معلم بود و پس از آن، با تجربه‌ای موفق و در پی درک ضرورت و لزوم انتشار آن، مستقل شد. با این حساب، مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی از مهر سال تحصیلی ۱۳۷۷-۱۳۷۶ اولین شماره‌ی مستقل خود را تجربه کرده است؛ به سردبیری محبت‌الله همتی. از دوره‌ی نوزادی و نوپایی مجله که بگذریم، آقای همتی حدود ۶۹ شماره از این مجله را سردبیری کرد. در طول این سال‌ها مجله با موضوعات متنوعی منتشر شد و این‌چنین مجله‌ی رشد در مسیر رشد قرار گرفت. آموزش درس‌ها و همراهی با کتاب‌های درسی، روش‌های ابتکاری در آموزش، گزارش‌های مرتبط با دوره‌ی ابتدایی، تحقیقات تربیتی، بازی‌های کودکی، کتاب‌های معلمی و اخبار حوزه‌ی ابتدایی از جمله مطالب مجله بودند. اگر مایلید به فهرست آن سال‌های مجله نگاهی بیندازید، رمزینهی پاسخ‌سریع را اسکن کنید.

از آقای همتی خواستیم به‌مناسبت دویستمین شماره‌ی مجله یادداشتی بنویسد. یادداشت را با هم بخوانیم:

تولد یک مجله

خانم محمودی، سردبیر رشد آموزش ابتدایی، پیامی برایم فرستاده بود که دویستمین شماره‌ی مجله در شرف انتشار است، جا دارد من به‌عنوان اولین سردبیر، یادداشتی بنویسم برای این شماره از مجله.

یادداشت را که خواندم، بلافاصله در ذهنم حساب و کتاب کردم، ۲۰۰ شماره! اگر هر سال هشت شماره منتشر شده باشد، یعنی سال تحصیلی جاری بیست‌وپنجمین دوره‌ی انتشار مجله است. ۲۵ سال از انتشار مستقل رشد آموزش ابتدایی گذشته است. در طول این مدت نزدیک به ۱۰ هزار صفحه مطلب تألیف، ترجمه، آماده‌سازی و صفحه‌آرایی شده است. شمارگان مجله از ۱۰ هزار نسخه تا ۸۰ هزار نسخه هم چاپ و توزیع شده و در کنار این‌ها، ویژه‌نامه‌هایی هم بنا به‌ضرورت در این سال‌ها به زیور طبع آراسته شده‌اند. این همه میسر نبوده، مگر با کار منسجم سازمانی و برنامه‌دار.

اما پیش‌تر از این، یعنی از سال تحصیلی ۱۳۶۷-۱۳۶۶، رشد آموزش ابتدایی طی ۱۰ سال داخل رشد معلم منتشر می‌شد که سردبیری چهار سال از آن را سیدرضا رضوی بر عهده داشت، چهار سال دیگر را مجتبی مصدقی نیک و دو سال را نگارنده.



اولین شماره‌ی رشد ابتدایی

مجله‌ای برای ۳۹۵ هزار مخاطب

اولین بار ایده‌ی انتشار مستقل رشد آموزش ابتدایی را **اسید محسن گلدان ساز**، مدیرکل وقت دفتر انتشارات، مطرح کرد. اولین شماره‌ی مجله، مهرماه ۱۳۷۶ منتشر شد. در آن سال ۳۹۵ هزار نفر در دوره‌ی آموزش ابتدایی کشور کار می‌کردند؛ ۶ درصد آنان مدرک لیسانس یا بالاتر، کمی بیش از ۳۰ درصد فوق‌دیپلم و ۵۹ درصد دیپلم و حدود ۴ درصد کمتر از دیپلم داشتند. بیش از ۱۱ میلیون نفر دانش‌آموز در پایه‌هایی اول تا پنجم ابتدایی نیز تحصیل می‌کردند.

۴۶ درصد از معلمان در مناطق روستایی کار می‌کردند. در همان سال ۶۰۰ هزار نفر از دانش‌آموزان مردود شده بودند که بیشترین مردودی از آن کلاس اولی‌ها بود.

انتشار مستقل رشد آموزش ابتدایی در چنین شرایطی، به‌عنوان ابزاری مناسب، ارزان و کارا، می‌توانست نقش مهمی در آموزش مستمر معلمان ایفا کند. علاوه بر آن، به‌دلیل پراکندگی مناطق آموزشی و تعداد بسیار زیاد معلمان مناطق روستایی، نظام توزیع مجله‌های رشد در سراسر کشور بسیار مثرتر بود و به‌مثابه‌ی وسیله‌ای ارتباطی، از یک طرف بین معلمان و از طرف دیگر بین معلمان و حوزه‌ی برنامه‌ریزی نقش داشت.

برای انتشار چنین مجله‌ای نیازمند همکاری بخش‌های ستادی و برنامه‌ریزی دوره‌ی آموزش ابتدایی بودیم. در جلسه‌ای که با مدیرکل وقت دفتر آموزش ابتدایی داشتیم، مورد عتاب واقع شدیم که این مجله را ما باید منتشر کنیم نه شما! پاسخ دادم مشکلی نیست، اما شما سازوکار انتشار مجله را ندارید.

اولین قدم برای جلب همکاری به بن‌بست رسید. دومین مدعی، گروه ابتدایی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی بودند که اعتقاد داشتند رشد آموزش ابتدایی را مانند مجله‌های تخصصی آن زمان، دفتر فوق باید منتشر کند.

اولین قدم تکمیل نیروهای انسانی مجله بود. در زمان شروع به کار مجله، علاوه بر سردبیر، هر مجله می‌توانست دو نیرو داشته باشد. اولین فرد موردنظرم **خانم کبری نیکوخوی منفرد** بود. ایشان را از زمان

سرگروه‌ی‌اش برای پایه‌ی پنجم دبستان در گروه‌های آموزشی آموزش و پرورش منطقه‌ی ۱۰ تهران می‌شناختم. کارشناس آموزش ابتدایی بود و بعدها، در دانش‌سرای تربیت‌معلم، همین رشته را سال‌ها تدریس کرد. خانم نیکوخوی پس از آن کارشناس واحد طرح و برنامه‌ی دفتر آموزش ابتدایی شد. شروع انتشار مجله، زمان ریاست مرحوم دکتر **روح‌الله عالمی** بود. همکار دوم هم خانم **بهناز پورمحمد** بود ایشان، هم کارشناسی آموزش ابتدایی داشت و هم سابقه‌ی معلمی.

ترانه امیرابراهیمی، ویراستار مجرب دفتر، **مهدی کریمخانی**، طراح گرافیک و مرحوم **مهدی محسنی آهویی**، عکاس مجله‌های رشد، تیم اولیه‌ی رشد آموزش ابتدایی را تشکیل می‌دادند.

اولین قدم با توجه به هدف‌های انتشار این مجله برداشته شده بود؛ تشکیل یک تیم کاری. دومین قدم تدوین برنامه‌ی سالانه‌ی انتشار مجله بود که با مشورت و کسب تجربه‌های کارشناسان تدوین شد.

مهم‌ترین سرفصل محتوایی مجله در طول سال‌ها، با توجه به رویکرد رشد آموزش ابتدایی، بخش آموزش بود که به زیربخش‌های آموزش علوم، آموزش ریاضی، آموزش جغرافیا، آموزش تاریخ، زبان‌آموزی و... تقسیم می‌شد. در بخش آموزش، همکاری کارشناسان گروه‌های درسی در اشاعه‌ی برنامه‌های درسی امری لازم و اجتناب‌ناپذیر بود و اگر نبود این فضای

همدلی، این بخش کارآیی نداشت. معلمان از این بخش مجله استقبال می‌کردند.

از طرف دیگر سعی کردیم نقش معلمان را پررنگ کنیم. اولین مطلب بعد از یادداشت سردبیر، تجربه‌های سبزی با موضوع گفت‌وگو با معلمان بود که زحمت آن را **محمدحسین دیزجی** می‌کشید. این گفت‌وگوها بیشتر در قالب مصاحبه با معلمان شهرها و روستاها صورت می‌گرفتند. گروهی از معلمان را سازمان‌دهی کرده بودیم که مجله‌ها را بعد از هر شماره نقد می‌کردند. در این جلسه‌ها ایده‌های زیادی برای شماره‌های بعدی شکل می‌گرفت.

در طول این سال‌ها تمام سعی گروه این بود که مجله‌ای خواندنی و مؤثر برای مخاطبان فراهم کنیم. ارتباط گسترده‌تری با استان‌ها و شهرها و روستاها داشته باشیم. از مدرسه‌ها گزارش تهیه کنیم و از نویسندگان بیشتری بهره ببریم. سعی کردیم بیشتر به سمت تأمین نیازهای معلمان برویم.

من هشت سال شیرین را در چنین فضای نفس‌کشیدم، آموختم، رشد کردم و با معلمان بسیاری در سراسر کشور آشنا شدم که تلاش دلسوزانه‌ی آن‌ها برایم آموزنده بود و مرا با موانع و مسائل آموزش و پرورش از نزدیک آشنا کرد.

بی‌شک، حضور نویسندگان زیادی که در طول هشت سال، افتخار همکاری مستمر با آن‌ها را داشتم، برایم فرصت مغتنمی در راستای هم‌آموزی و یادگیری ایجاد کرد. سعیشان مشکور باد.



رشد آموزش ابتدایی در دوره ی نوجوانی؛ نه سالگی تا پایان شانزده سالگی، به سردبیری مرتضی مجدفر



پس از گذشت هشت سال، در مهرماه ۱۳۸۴، مرتضی مجدفر سردبیری نهمین دوره ی این مجله را عهده دار شد. ایشان در دوره ی مدیرمسئولی علیرضا حاجیان زاده آغاز به کار کرد و از نه سالگی تا پایان شانزده سالگی، یعنی در دوره ی نوجوانی مجله، رشد ابتدایی را با همکاری امید نیایش و اصغر ندیری، به عنوان مدیران داخلی، سردبیری کرد. در کنار آنان کبری محمودی و پراستاری و مهسا قبایی طراحی گرافیک مجله را به عهده گرفتند. محتوای مجله در این دوره «تجربه های سبزی» را در بر می گرفت و همچنان بحث آموزش، تعلیم و تربیت، گزارش و گفت و گوهای مربوط به دوره ی ابتدایی و یادداشتهای معلمان از مطالب اصلی محسوب می شدند.

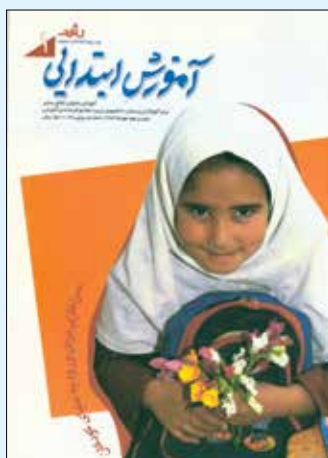
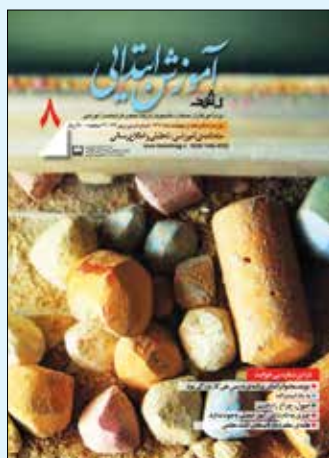
رشد به درستی در مسیر رشدش قرار داشت و این ارزشمند بود. در این سالها مجله به صدمین شماره نیز رسید و این اتفاق ارزشمند گرامی داشته شد. مجدفر، در تمام سالهای سردبیری و پس از آن، از همراهان اصلی مجله بوده است و این همراهی کماکان ادامه دارد. یادداشت ایشان را بخوانیم:

بادبزن های حصیری

اکنون رشد آموزش ابتدایی به دو یستمین شماره ی خود رسیده است که ۶۴ شماره ی آن دست پخت مستقیم من بوده است؛ یعنی افتخار داشته ام از مهر ۱۳۸۴ (شماره ی پیاپی ۷) تا اردیبهشت ۱۳۹۲ (شماره ی پیاپی ۱۳۳)، سردبیری مجله را عهده دار شوم و از طریق آن با آموزگاران کشور سخن بگویم. علاوه بر این ۶۴ شماره، سردبیری سه ویژه نامه در خصوص همسان سازی بین برنامه های درسی دوره ی ابتدایی با برنامه ی درسی ملی در سالهای آغاز به کار اجرای این سند ملی هم بر عهده ام بوده است. به غیر از این ۹ سال که تمام زندگی ام با رشد ابتدایی گذشت، قبل و بعد از آن هم با این مجله دمخور و هم نفس بودم. از ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۰ که برای حضور و قبول مسئولیت معاونت مجلات رشد به دفتر انتشارات و فناوری آموزشی فراخوانده شدم، معاون آموزشی یکی از مناطق جنوبی تهران بودم و به فراخور سمت اداری ام، می بایست در جمع آموزگاران حاضر می شدم و درباره ی موضوعات مبتلابه ی علمی و اجرایی دوره ی ابتدایی برایشان سخن می گفتم. یکی از منابع من برای آماده کردن متن و محتوای این سخنرانی ها، مجلات رشد بود و در این میان، رشد ابتدایی زمانی که دوره ی جنینی خود را با صفحاتی مستقل در

درون رشد معلم طی می کرد و قبل از اینکه به مانند مجله های مستقل در مهر ۱۳۷۶ منتشر شود، یکی از اصلی ترین منابع مطالعاتی ام بود. در سالهایی هم که معاون مجلات رشد بودم (مهر ۱۳۸۰ تا مهر ۱۳۸۵)، به دلیل سمت اداری ام، مجبور بودم همه ی مجله ها را پیش از چاپ بخوانم. البته این در مورد رشد ابتدایی، توأم با اجبار اداری نبود و یکی از مفرح ترین زمانهای مجله خوانی اداری ام، زمانی بود که رشد ابتدایی می خواندم. در این سالها و تا مهر ۱۳۸۴ که دوست خوبم محبت الله همتی، به اقتضای تغییر و تحولات اداری و با تصمیم مسئولان وقت دفتر، سردبیری را به من واگذار کند، با همراهی و درخواست او، مطالب متعددی را در آموزش ابتدایی منتشر کردم؛ کاری که بعد از مهر ۱۳۹۲ و تحویل مجله به همراه همیشگی ام اصغر ندیری و سردبیری دوستان دیگر، همواره ادامه داشته است و همیشه مطالبی را در رشد ابتدایی منتشر کرده ام. به عبارت دیگر، در تمامی سی و چند سال گذشته، این مجله جزو دغدغه ها و بخشی از زندگی کاری و فعالیت های نوشتاری ام بوده است.

اکنون که به شماره ی دو یستم رسیده ایم، به پیشنهاد خانم محمودی، سردبیر مجله، که خود از سابقون رشد ابتدایی است و حتی قبل از سردبیری من، ویرایش مطالب را با دقت و وسواس



انجام می‌داد، با خاطری خوش و حسی زیبا، پذیرفتم که این یادداشت را بنویسم، ولی دوست دارم سخن خود را با ذکر خاطره‌های شیرین از سال‌ها پیش به سرانجام برسانم.

با هم‌رمان

هم‌واره یکی از گله‌های خوانندگان این است که کمتر به بازی گرفته می‌شوند. در دوران سردبیری‌ام، به‌تأسی از آقای همتی، صفحات درخور توجهی را به تجربه‌های خوانندگان اختصاص دادم. با این همه، برخی از مخاطبان، دانسته و ندانسته گله می‌کردند که در مجله دیده نمی‌شوند.

آن سال‌ها که اسیر کرونا نشده بودیم، سفرهای استانی سردبیران و مسئولان مجله‌های رشد رونق گسترده‌ای داشت. در یکی از سفرها به استان یزد رفتیم. روز اول به جلسه با مسئولان استان، گروه‌های آموزشی و مدیران مدرسه‌های نواحی یزد گذشت. در روز دوم، سردبیران مجلات در گروه‌های دو یا سه‌نفره، عازم یکی از شهرها شدند. از من هم خواستند همراه با سردبیر وقت رشد دانش‌آموز، **بهروز رضایی**، به آن شهر بافق برویم. در مسیر، به این فکر می‌کردم که علاوه بر پاسخ‌گویی به پرسش‌ها، راجع به چه چیزهایی صحبت کنم که یادم افتاد چندی پیش، از آموزگاری به اسم خانم **صلاحی**، از همین شهر، مطلبی چاپ کرده‌ایم. اسم کوچک نویسنده یادم رفته بود. به دفتر مجله زنگ زدم و با کمک آقای ندیری، اطلاعاتم تکمیل شد: فرخنده صلاحی، «کلبه‌ی علوم که قابلیت تبدیل شدن به کلبه‌ی ریاضی را هم دارد».

در سالن بزرگی، مدیران و آموزگاران جمع شده بودند. با آقای رضایی، قدری در مورد اهمیت، کارکردها و انواع مجله‌های رشد و اینکه چگونه می‌توان از آن‌ها در فرایندهای یاددهی‌یادگیری استفاده کرد، توضیح دادیم و نوبت به پرسش‌های حاضران رسید.

بعد از چند پرسش، خانم مدیری، با حالتی برافروخته، از اینکه مجله پر است از نوشته‌های تهران‌نشینان و به مناطق

دورافتاده توجهی نمی‌شود، ما را به باد انتقاد گرفت. پرسیدم رشد ابتدایی را می‌خوانید؟ پاسخش مثبت بود. پرسیدم مطلبی از همکاران شهرتان در مجله چاپ شده است؟ این بار پاسخش منفی بود. جمع حاضر را خطاب قرار دادم و پرسیدم خانم فرخنده صلاحی یا مدیر مدرسه‌ی محل تدریس ایشان، در سالن هستند؟

دستی از میان جمع بالا رفت و سکوتی سالن را فرا گرفت: «من صلاحی هستم. تجربه‌ی من با نام کلبه‌ی علوم، در رشد ابتدایی منتشر شد. مدیرم خیلی تشویقم کرد، ولی از طرف اداره، هیچ عکس‌العملی دریافت نکردم. چندی پیش از ناحیه‌ی ۳ مشهد با من تماس گرفتند. برایم بلیت رفت و برگشت هواپیما گرفتند. دو روز اقامت در جوار حرم امام رضا(ع) را نصیب کردند و قرار شد در جلسه‌ی آموزگاران آن ناحیه، راجع به کلبه‌ی علوم و تبدیل آن به کلبه‌ی ریاضی سخنرانی کنم».

سکوت سالن از قبل بیشتر شده بود. گفتم قبول می‌کنید که نمی‌توانیم تجربه‌های معلمان همه‌ی شهرها و روستاها را منتشر کنیم. ما دوست داریم مطالب خواندنی‌تر، کاربردی و نوآورانه را منتشر کنیم. از این رو ممکن است از فردی که تجربه‌های خوبی دارد، در یک سال، چند مطلب منتشر شود. چند روزی بعد از بازگشت از یزد، نامه‌رسان رشد، بسته‌ی مقوایی بزرگی را که از آن‌شهر پست شده بود، روی میز گذاشت؛ بسته‌ای از طرف خانم صلاحی

با نامه‌ای که از طرف ایشان نوشته شده بود: «آقای مجدفر عزیز، عزت و احترامی که رشد ابتدایی برایم فراهم کرد، مثال‌نازدنی است. علاوه بر سفر به مشهد، اکنون توجه همه‌ی آموزش و پرورش شهرمان به نوشته و تجربه‌ی من جلب شده است. نمی‌دانم چگونه از شما و رشد تشکر کنم. یکی از صنایع دستی منطقه‌ی ما حصیربافی است که من هم در اوقات فراغت با آن مشغولم. چند هدیه را تقدیمتان می‌کنم. امیدوارم خوشتان بیاید».

داخل بسته، چهار بادبزن دستی حصیری سنتی بود که روی آن‌ها عبارت‌های «آقای مجدفر، فاطمه خانم، نگار خانم و بهار خانم» (اسامی همسر و فرزندانم) نوشته شده بود. همچنین حصیری به‌اندازه‌ی یک متر در بیست و پنج سانتی‌متر با عبارت «رشد آموزش ابتدایی»، از دیگر هدایای خانم صلاحی بود.

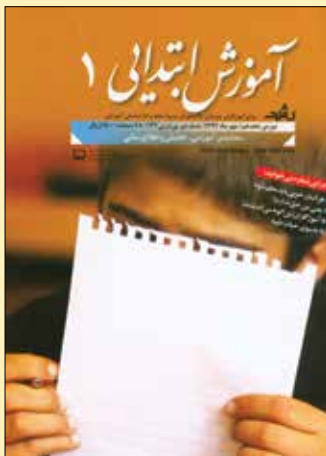
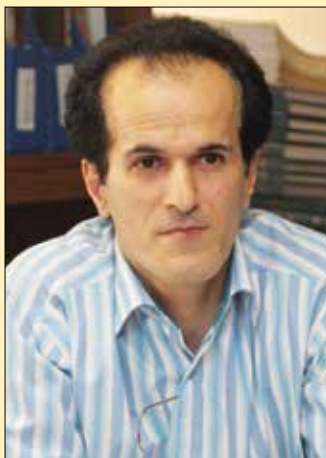
با وجود تعجب من، ماجرا برای آقای ندیری، خیلی توأم با شگفتی نبود. بعدها متوجه شدم خانم صلاحی، قبل از بافت بادبزن‌ها، با دفتر مجله تماس گرفته و با اطمینان از اینکه پاسخ‌گو من نیستم، اسامی را از آقای ندیری پرسیده است. دو تا از آن بادبزن‌ها هنوز سالم و دست‌نخورده‌اند و یادگاری است ماندگار از حضورم در رشد. بادبزنی که در تصویر می‌بینید، یکی از آن بادبزن‌هاست.



رشد آموزش ابتدایی مهر ۹۰

۲۲۰ ساله شوی مجله

من از دور شاهد جشن تولد شماره‌ی صدم این مجله و زحمات دوستانی مانند آقای دکتر مجدفر و دیگرانی که یادشان به خیر باد، بودم و آن گاه که ابر و باد و مه و خورشید و فلک دست به دست دادند تا اینجانب به سمت سترگ سردبیری مجله برسم، هرروز و هر شماره که می‌گذشت، در این اندیشه و خیال بودم که بهترین مطالب و جدیدترین مباحث و تحلیل‌های تعلیم و تربیت ابتدایی را در راینی با معلمان مجرب، به بهترین نحو و با سرعت و طبق برنامه‌ی زمان‌بندی به چاپ برسانم؛ تا شماره‌ی دویست برسد. اما از آن جا که از قدیم گفته‌اند چراغ پای خود را روشن نمی‌کند، اینجانب نیز بعد از چندسال خدمت، نتوانستم دوباره مستقیم در رشد و بالندگی مجله در دویستمین شماره عامل و شاهد باشم. در مجله دیدم، دنیا کوچک‌تر از آن است که من می‌پنداشتم؛ از طریق آموزگاری گیلانی، دوستی را، بعد از ۲۵ سال دوری، یافتیم. هنوز کام من از دید و بازدیدهای کاری و اداری اما صمیمی، شیرین است. سلامت باشد آموزگاری که از آبادان (اروسیه) آمده بود و می‌گفت همه آن را با (ارومیه) اشتباه می‌گیرند. هنوز وقتی نام آموزگار اهل نجف آباد را که در مجلات تعلیم و تربیتی قلم می‌زند، می‌بینم، خوش حال می‌شوم. هنوز یاد تواضع و هنر آموزگار مازنی در روستایی از اطراف شهرستان نور هستم که با نغمه‌ی «ل له‌وای» خوانی‌اش مرا از خود بیخود کرد. آموزگاران آذربایجان و کردستان، خراسان و بندر عباس، به ویژه منطقه‌ی سیریک و همه‌ی ایران، از یادم نخواهند رفت. دعا می‌کنم ۲۲۰ ساله شوی مجله!



رشد آموزش ابتدایی در دوره‌ی جوانی؛ هفده سالگی تا پایان بیست‌سالگی، به سردبیری آقای اصغر ندیری

مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی هفده ساله در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۳ به آقای اصغر ندیری سپرده می‌شود؛ در دوره‌ای که چند سالی است مدیرمسئول مجلات نیز آقای محمد ناصری است. ندیری دست این نوجوان هفده ساله را می‌گیرد و در دوره‌ی بلوغ همراهی‌اش می‌کند. فهیمه دهقان، شهلا فهیمی و مریم موسوی، مدیران داخلی، کبری محمودی، ویراستار، و پریرسا سندسی، طراح گرافیک، در این مسیر با او هستند. رشد همچنان در مسیر رشد است. محتوای این دوره‌ی مجله نیز مباحث مربوط به تعلیم و تربیت دوره‌ی ابتدایی، یادداشت‌ها و تجربه‌های معلمان، معرفی آموزگاران خلاق و توانمند و کتاب‌های خواندنی است. یادداشت آقای ندیری را بخوانیم:



مجله‌ی رشد ابتدایی مهر ۹۲

رشد آموزش ابتدایی همچنان در دوره‌ی جوانی؛

آغاز بیست و پنج سالگی، به سردبیری خانم کبری محمودی

مسئولیت سنگینی است بتوان مجله‌ای را که ۲۰۰ شماره سابقه‌ی درخشان دارد، در مسیر رشد نگه داشت. اما این سنگینی شیرین است و شیرین تر می‌شود وقتی آموزگاری از شهرستانی دور با دفتر مجله تماس می‌گیرد و همکار خود را آموزگار موفق معرفی می‌کند و از مجله می‌خواهد روش‌های موفق او را به همکاران دیگر معرفی کنیم. شیرین تر می‌شود وقتی همکاران از تجربه‌های هم درس می‌گیرند و باز خورد می‌دهند، وقتی اولیا تماس می‌گیرند و می‌خواهند آموزگار فرزندشان را در مجله معرفی کنیم تا بدین تربیت قدرانش بوده باشند.

و حلاوتی چون عسل دارد وقتی شما همچنان با مجله‌ی خودتان در ارتباط باشید و برایش بنویسید، درد دل کنید، تجربه‌گردانی کنید و در مسیر رشد دانش آموزان از آن بهره بگیرید. امسال مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی، به منظور همراه شدن با شرایط آموزش مجازی، به سمت چند رسانه‌ای شدن قدم برداشته است و می‌کوشد همچنان با مخاطبان همراه باشد. مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی مانند همیشه در مسیر رشد خواهد ماند. به امید خدا.



رشد آموزش ابتدایی در دوره‌ی جوانی؛

بیست و سه سالگی تا پایان بیست و چهار سالگی، به سردبیری آقای اصغر ندیری

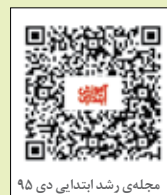
در دوره‌ی بیست و سوم مجله دوباره به آقای ندیری سپرده شد. همکاران او خانم‌ها الهام فراستی و مریم شهرآبادی در این راه همراهی‌اش کردند و کوشیدند محتوایی علمی و متناسب با نیاز مخاطبان مجله تولید کنند. یکی از صفحه‌های پر مخاطب مجله‌ی این دوره، صفحه‌ی مسابقه بود. چه بسیار مخاطبانی که همچنان با دفتر مجله تماس می‌گیرند و از خاطرات خوب شرکتشان در مسابقه می‌گویند. مجله‌ی رشد همچنان در مسیر رشد قرار داشت.



رشد آموزش ابتدایی در دوره‌ی جوانی؛

بیست و یک سالگی تا پایان بیست و سه سالگی، به سردبیری آقای علیرضا متولی

به سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ که می‌رسیم، یعنی از دوره‌ی بیست و یکم، آقای علیرضا متولی مجله‌ی بیست و یک ساله را سردبیری می‌کند. اکنون مجله به شماره‌ی ۱۶۶ رسیده است و محتوای اصلی آن، چنانکه باید باشد، عبارت است از: برنامه‌ی درسی، سلامت، مدرسه‌های چند پایه، گزارش، تجربه‌های آموزگاران و هر آنچه به فعالیت آموزگار دوره‌ی ابتدایی کیفیت و غنا می‌بخشد. رشد همچنان در مسیر رشد است. در این دوره‌ها آقای محمد ناصری مدیرمسئول مجلات است و الهام فراستی، مدیر داخلی، کبری محمودی، ویراستار، و ایمان اوجیان، طراح گرافیک، با مجله همکاری می‌کنند. رمزینهی زیر را که پی‌دی‌اف کامل یک شماره از مجله است، پویش (اسکن) و آن را مشاهده کنید.



مجله‌ی رشد ابتدایی دی ۹۵

